

## رسوایی فکری اسد الله جعفری

اخیرا در یکی از سایت برون مرزی نوشته سرپا تو هین و تهمت و افتراء به روشنفکران توسط یکی از عماله پوشان کرملین به نام اسدالله جعفری چاپ شده که با یک قلم بیمایه و رسوا روشنفکرانرا تا توانسته است دشنام داده. این شخص که نه از اسلام نه از حقوق انسان و نه هم از ارزش های زندگی در قرن بیست یک چیزی به چانه دارد دیوانه وار بر حریف های خیالی اش تاخته است که اینک از جانب همه آزدگان و دیگرانندیشان به جوابش میپردازم.

1 - اگر حق اظهار نظر از هستی شناسی تا جزئی ترین مسایل حیات اجتماعی حق هر انسان است و انسانیت انسان در همین عقلانیت اوست... پس چرا انسانهای خارج از دایره روحانیت نتوانند اظهار کنند که «ملا صاحب عیای شما دارد میسوزد» برای من کلمه روحانیت مقدس است نه بخاطر آنکه ازین کلمه یک زبانه و فاسق خود را روحانی جا زده و زیر نام احوال شخصیه دیگران فضل فروشی کند.

2 - سربازان فرهنگی حکومت که تلوحیا اشاره آقای جعفری به منتقدین احوال شخصیه شیعیان افغانستان است کم نیستند. این طیف اجتماعی شامل مردان و زنانی اند که همین جامعه روحانیت بنام افغانستان همه چیز آنان را غصب نموده و در عوض بگردن شان کلید جنت را میآویزد. زبانی کار همین هاست، کوشش به پراکندگی، نفاق، جنگ کشتار و ویرانی و دهریگری و بیخدایی را عامل اصلی همینها هستند. آن ملا و شیخی که سه دهه قبل نان اش را از دستخوان دیگران سوال میکرد حالا نه تنها مالک ملیارد ها دالر بادآورده است که از بهای خون هزاران شهید مسلم کمایی کرده است بلکه سیاست های استعمارگران غربی و صلیبیون را در نظام اقتصادی و فرهنگی جوامع پیاده میخواد و با چلو صاف آب میآورد.

3 - آقای جعفری در حالیکه نمیتواند نقش روشنفکران را انکار کند و متولیان مذهب را هم انکار نمیکند؛ کاذبانه اظهار میکند که باکسی هم دشمنی ندارد و در پی رد نظریاتش نیست اما بیائید از زبان خودش این موضوع را بررسی کنیم. این آقا مینویسد: ... نمی دانم، چه تقدیری در کار بود که «قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان» در این برهه از زمان ومقطه (مقطع) از تاریخ، به تصویب مجلس برسد و رئیس جمهور افغانستان آن را توشیح نماید، تا «متولیان مذهب» و هم «روشنفکران وارداتی» به یکسان رسوا شوند...

مسلمن که یکی از متولیان مذهب جناب خود شان تشریف دارند و این سخن را تحقیقی در کار نیست. اما مراد از روشنفکران وارداتی؟! که به تشریح این عمامه دار نوکران غرب و فروخته های دالر اند را باید زیادت و شفاقت بیان میکرد. زیرا آنانیکه خود را به دالر و تومان فروخته اند کم نیستند و به اصطلاح زیر هر سنگی را که بالا کنی ده ها ازین خود فروخته های سازمان آی اس ای، موساد و انتجنت سرویس انگلیس بدنبال طعمه حقیر خود میولند. اگر سگی چنانکه این آقا از زبان سعدی مثال میآورد پیش سگی سر خم میکند همین تیکه داران دین و مذهب اند که از یک کتاب آسمانی هزار تفسیر به نفع آیات شیطانین ایران و فایشت های افغانستان سر هم میکنند. در خانه کعبه قسم میخورند و در میدان جنگ نقض میکنند. نه به مسلمان رحم میکنند و نه از انسانیت و حقوق آن بوی برده اند.

این آقا چشم هایش را بسته و دهان مردارش را باز نموده میگوید: ... باتصویب قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان، غوغاسازی (غوغا سالاری) مذهبی، شعبده بازی روشنفکری، زورگویی جهانی، هیتلیریسمی نظامی، سزاریسمی ناتو، و سیاست موش و گربه ی سیاستمداران در سایه آغاز شد... گرچه این افاده های آقای جعفری مثل لای لای لای گویی های محافل چرسیان است. اما بهتر میدانم که بگویم: تو به شوران لبته که مه بفهمم گیه اته!

کسی نیست که ازین چوچه ناقص الخلقه کرملین ببرد که غوغاسالاری مذهبی در قرن بیست یک؛ بیش ازین چیزی است که به نام دین و مذهب لجوجانه در مقابل جریان آب حرکت کنی؛ مثنی متحجر بیخرد و طالبانی را محکوم کردن چه معنی دارد؟ مگر هدف خاص این آقا جناب محقق نسب نیست که رنج و مشقت زندان جنایتکاران جنگی افغانستان را تجربه نمود و باری هم بدست آیات شیطانین ایرانی زیر شکنجه قرار گرفت و اکنون به فرانسه زندگی بخور نمیر خود را سپری میکند؟ یقینا که چنین است. در غیر آن این آقا بهتر بود که از طریق همان سایت های کمونستی به دنبال ماستمالی کردن تضاد های اندیشه اسلام با کمونیزم میگشت و اینقدر به نعل و کفش نمیگردد.

این آقا نادانسته احتجاج زنان و مردان آزاده را در مقابل قوانین قرون اوسطایی بردگی زن را واپس گرایی اخلاقی خوانده است. بیخبر ازینکه هیچ یک از روشنفکران سوکولار و آزاد اندیش تا حالا و در هیچ گوشه جهان دست به اعمال

شنيعی که ازین شیخ های شهوت پرست سر میزند مرتکب نشده اند. در سنین زوال، دختران هژده ساله را تصاحب کرده و نه از پول فخر و سوال از خانه های مردم؛ صاحب انتشار تیلوژیون شخصی، اماکن ملیون دالری، بانک های شخصی و رسوخ سیاسی دارند. روشنفکر از قماش آقای جعفری خاک و آفتاب بخاطری میخورد که آنان همه چیز داشته باشند و دیگران هیچ چیزی و روشنفکر با همان هیچ خود بر این سگ های دربار خامنه ای و آل سعود هزار بار شرف دارند.

این اقا خلاف همه موازین اخلاقی احتجاج روشنفکران در مقابل این گونه قوانین کهنه را خلاف تفکر و سنجش اخلاقی و اجتماعی خوانده و از اینکه سازمان های بین المللی حقوق بشر ضدیت خود را با آن ایراز کرده اند همه را نمک پرورده های غرب قلمداد نموده و کاذبانه اشعار علامه بزرگ شرق اقبال لاهوری را به موضوع ارتباط میدهد. موضوع به همین سادگی خاتمه نمیابد این اقا دیگر اندیشان و مخالفین قانون احوال شخصیه را سگ، طوطی، بیخرد، نوکر بیگانه، غوغاگر، شعبده باز، هیتلریست، نوکر، غلام حلقه بگوش و خلاصه هر چه از دهن مردارش بیرون میشود از زبان بزرگمردان آزاد اندیش شرق چون حافظ، سعدی، علامه اقبال لاهوری مغالطه میکند.

شعبده بازی های سیاسی این شیخ المفسدین اینست که از اول و تا آخر نوشته اش کسی نمیداند که حریف اش کیست. نه قانون احوال شخصیه را تائید میکند و نه جریان مخالف آنرا. ولی هر کس میدانند که او از مقاله اول اش در دفاع از قانون احوال شخصیه و انتقاداتی که بر وی وارد شده بود دستپاچه شده و میخواهد برای خود ابروی تازه کمایی کند. بیخبر از آنکه:

**آبیست ابرو که نیاید به جویبار  
از مژه خون چکان ولی آبرو مریز**

این آقا همچون علی محمدی، میر حسین مهدوی و عده جیره خواران دربار شیخ محسنی نه تنها با نیشخوار کردن کلمات و جملات کلیشه ای و سلیقوی ملا های ایران و آخذ های طالب پاکستانی غیر از آنکه آبروی خود را به پشیزی بفروشد کاری از دست شان پره نیست در گودلال تاریخ دفن خواهند شد.